

۲. دام‌های قدرت در خط آتش

در بسیاری از کشورها، استادان دانشگاه و دانشجویان، به بهانه پاکسازی قومی، اعتقاد دینی یا حتی سکولاریسم، آماج سرکوب قرار می‌گیرند. دانشگاهیان به کوشش‌های خود برای جلب افکار عمومی می‌افزایند.

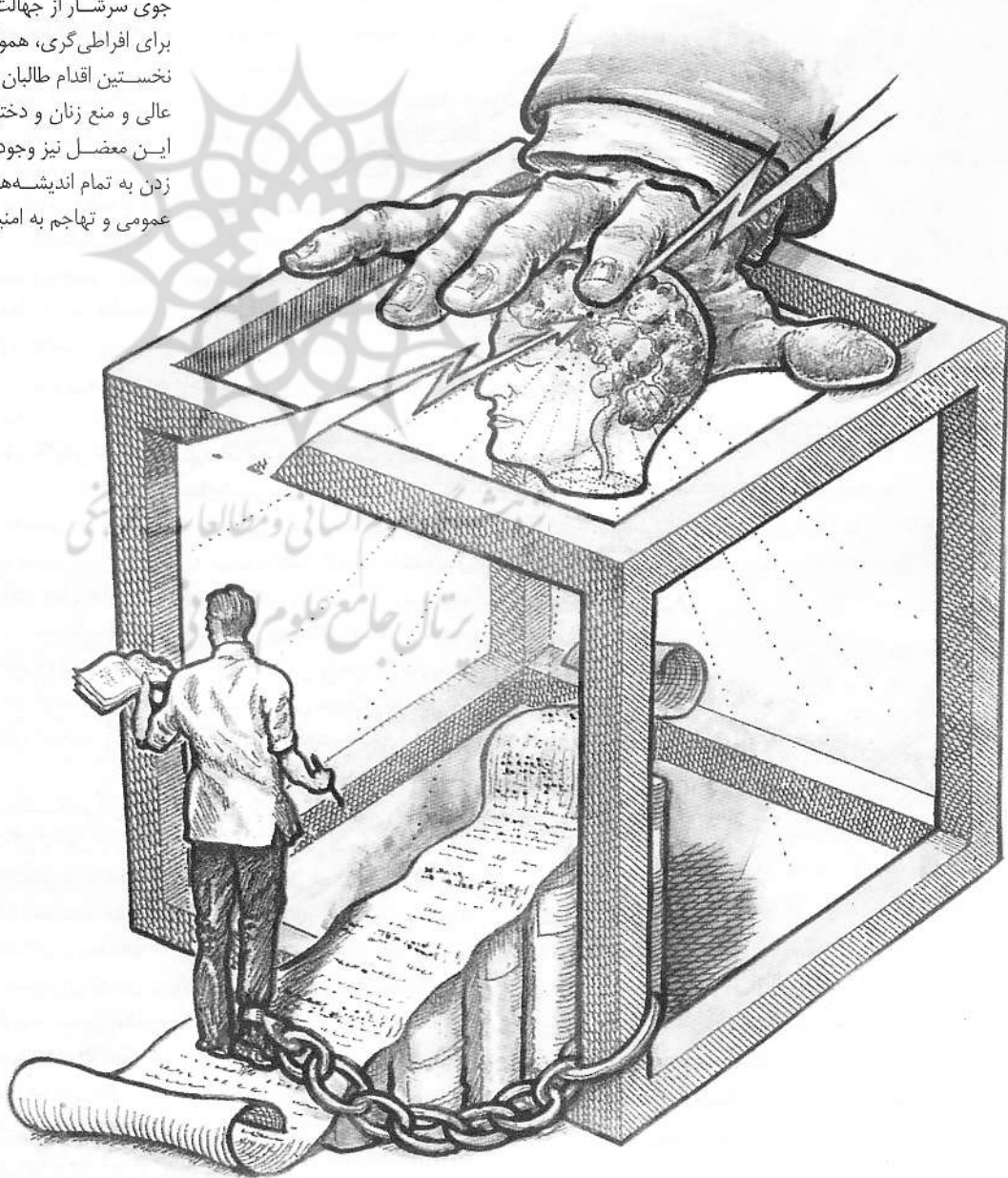
سام ضیا ظریفی

مدیر برنامه آزادی دانشگاه‌ها در سازمان دیده‌بان حقوق بشر

آزادی دانشگاه‌ها، شاخصی بسیار حساس برای احترام به حقوق بشر در جامعه است. احترام به آزادی دانشگاه‌ها نشانه پذیرش گفتمان آزاد و حمایت از گروه‌ها و آرای متفاوت است. فقدان آن نیز راه را برای جوی سرشار از جهالت و نابرداری و در یک کلام، بستری تمام عیار برای افراطی‌گری، هموار می‌کند. افغانستان، گواه بارز این امر است. نخستین اقدام طالبان در این کشور، تعطیل کردن بیشتر مراکز آموزش عالی و منع زنان و دختران از حضور در مدارس بود. اما اشکال ملایم‌تر این معضل نیز وجود دارد. حکومت‌ها در چهار گوشه جهان، با انگ زدن به تمام اندیشه‌های انتقادی به عنوان عامل لکه‌دار کردن عفت عمومی و تهاجم به امنیت ملی یا خلوص فرهنگی، نقض حقوق بشر را توجیه می‌کنند. طبعاً برخی از اولین قربانیان، دانشگاهیانی هستند که کارشان بررسی همه جنبه‌های تمدن خود از نظریه‌های علمی گرفته تا ساختارهای فرهنگی آن است.

یورش به آزادی دانشگاه‌ها تنها به طالبان محدود نمی‌شود. برای مثال، اخیراً در ایالات متحد و کانادا، دانشگاهیان به سبب پرشگرایی در خصوص جنبه‌های گوناگون سیاست‌های گذشته یا آتی دولت‌هایشان، تحت فشار مقامات دولتی یا افکار عمومی قرار گرفته‌اند. در اوضاع فعلی، آزادی بیان از اهمیت بسیار برخوردار است مبادا دانشگاه‌های آمریکا به روزهای تاریک جنون ضد کمونیستی بازگردد.

در دوران جنگ سرد، حمله به آزادی دانشگاه‌ها منطقی به ظاهر ایدئولوژیک داشت. هر یک از دو طرف به اندیشمندی که اصول اعتقادی حاکم بر جامعه را مورد تردید قرار می‌دادند، می‌تاخت: مخالفان، در معرض شکنجه، انزوا و تبعید قرار می‌گرفتند. در بسیاری از کشورها، واکنش از این هم شدیدتر، و البته به همان میزان قابل پیش‌بینی بود. فعالان استاد و دانشجو در آمریکای لاتین، آفریقا، خاورمیانه، چین، کره (شمالی و جنوبی)، به‌دستور دولت‌های هم پیمان یکی از ابرقدرت‌های مقتدر، به قتل می‌رسیدند، به زندان می‌افتادند یا وادار به سکوت می‌شدند.



پاسبانی جهانی

شبکه آموزش و حقوق دانشگاهی (NEAR) که از ژوئن ۲۰۰۱ با حمایت مالی اندک یونسکو آغاز به کار کرده است، به عنوان مرکز اطلاع رسانی در مورد حمله به آزادی آکادمیک در سطح جهان عمل می کند و می کوشد ارتباط بین گروه های فعال را در زمینه های پیش حملاتی از این دست گسترش دهد. این شبکه در پی برقراری پیوند با جامعه مدنی است تا به این وسیله به گردآوری و سازمان دهی نظرات مختلف علیه نقض آزادی دانشگاهی اقدام کند. گزارش سوء استفاده های صورت گرفته در سایت www.nearinternational.org قابل دسترسی است. NEAR کسانی را که توان اعتراض به دولت ها و سازمان های بین المللی دارند، هشیار می کند.

تحمیل شده است، «خصوصی سازی» یورش به آزادی دانشگاه است. گروه های مسلح مخالف دولت، به گونه ای فزاینده، مایل و قادر به حمله به دانشگاهیان خواهان برخورد منطقی هستند. در اسپانیا، دانشگاهیان خواهان حل و فصل مسالمت آمیز خواسته های جنبش باسک، در معرض تهدید جنبش جدایی طلب هستند. در کلمبیا هم گروه های شبه نظامی طرفدار دولت و چریک های در نبرد با آنان (گوریل ها)، به دانشگاه ها یورش برده اند تا منتقدان خود را ساکت کنند.

اما گرایش تعدیل کننده مهمی نیز وجود دارد. در چند سال گذشته، دانشگاهیان، به گونه ای فزاینده، مایل و قادر به کار به سود همکاران ستمدیده خویش هستند. تمام ویژگی هایی که استادان و دانشجویان را در معرض شکنجه و آزار قرار می دهد - از جمله ذهن انتقادی و دسترسی به اطلاعات از داخل و خارج مرزها - امکان دفاع از یکدیگر را هم می دهد.

واکنش مجامع دانشگاهی سراسر جهان به دستگیری چند استاد چینی به اتهام جاسوسی، در اوایل سال جاری، نکته ای عبرت آموز است. بیش از چهارصد متخصص مسائل چین از پانزده کشور، با امضای اعتراض نامه ای در پشتیبانی از استادان، از دولت چین خواستند برای اتهامات وارده، اقامه برهان و معیارهای داخلی و بین المللی دادرسی را رعایت کنند. اعتراض نامه، به همت چند گروه برجسته دانشگاهی، در رسانه ها انتشار یافت. دولت آمریکا از جانب آن دسته از دانشگاهیان که شهروند یا ساکن آمریکا بودند، میانجی گری کرد. سه نفر، اندکی پس از محکومیت از سوی دادگاه هایی که به عقیده عده ای کثیر، در رعایت موازین قضایی قصور کردند، آزاد شدند. به رغم نقش مهم حمایت مجامع دانشگاهی بین المللی، چند استاد دانشگاه - که تعدادشان به طور دقیق مشخص نیست - با اتهام های مبهم و واهی در زندان به سر می برند.

جامعه بین المللی دانشگاهیان می تواند به گونه ای مؤثر از جانب همکارانی که مورد تعقیب و شکنجه قرار گرفته اند، در اقدامات انجام شده تلاش کند. اما این خود مستلزم همکاری دراز مدت و به سخن دقیق تر، پشتیبانی از «برنامه آزادی دانشگاه ها» می سازمان دیده بان حقوق بشر و به طور گسترده تر - شبکه آموزش و حقوق دانشگاهی است.

فشار فزاینده

انتظار می رفت با سقوط دیوار برلین، وضعیت حقوق بشر - به ویژه آزادی دانشگاه ها - بهبود یابد. اعتقاد بر این بود که در دنیایی که به ظاهر بر توسعه اقتصادی متمرکز شده است، نیازی به مجازات دانشگاهیان نیست. به ویژه که آنها در آفرینش و هموار ساختن اندیشه های نوظهور جهانی سازی در همه زمینه های مالی، فکری و فرهنگی، راهگشا بوده اند. اما پایان یافتن جنگ سرد و سهل تر شدن ارتباطات جهانی، دانشگاهیان را - بیش از پیش - آماج حمله قرار داده است. تعامل نسبتاً زیاد این افراد با آن سوی مرزها، آنان را قادر می سازد جامعه خود را با جوامع دیگر بسنجند و نارسایی های دولت هایشان را به دانشجویان و عموم، خاطر نشان سازند. با بالا گرفتن مناقشه بین المللی دیگری، فشار برای محدود ساختن بیشتر آزادی دانشگاه ها، به طور قطع، افزایش می یابد.

اکنون دستاویزهای نو و ناراحت کننده گوناگونی برای توجیه سرکوب مدرسان و دانشجویان، مطرح می شود. سیاست های مبتنی بر هویت قومی و مذهبی از جمله عمده ترین این دستاویزهاست. دولت ها خود را حامی آیین و عقیده پذیرفته شده ای خاص، قلمداد می کنند - خواه پاکسازی قومی، اعتقاد مذهبی و یا سکولاریسم باشد - و به آزار کسانی که در آن تردیدی کنند، می پردازند.

سیاست هویت قومی نیز به یورش به دانشگاهیان، دامن می زند. در یوگسلاوی، از جامعه شناسان و تاریخ نگاران، خواسته شد تا به توجیه فزون خواهی های ناشی از رقابت قومی، بپردازند. دولت میلوسویچ (Milosevic)، پس از شکست این تلاش، تصفیه دانشگاهیان صرب را آغاز کرد. در اندونزی، دانشگاهیان مناطق دارای جمعیت های قومی متفاوت - مانند استان آشوب زده آچه (Aceh) - زیر فشار دولت قرار می گیرند تا هرگونه بحث درباره گسترش خودگردانی محلی را متوقف کنند. در ترکمنستان، آموزش کلیه زبان های خارجی ممنوع شده است. این کار، به بهانه هموار ساختن راه تدریس علوم به زبان ترکمنی، صورت پذیرفته است. مسئله ناراحت کننده دیگر که بر مطالعات جدی دانشگاهی

ویژگی هایی که استادان و دانشجویان را در معرض شکنجه و آزار قرار می دهد، امکان دفاع از یکدیگر را هم به آنان می دهد